

نوع مقاله: ترویجی

تحلیل و تبیین مبانی انسان‌شناختی آینده‌پژوهی اسلامی

r.karegar@isca.ac.ir

رحیم کارگر / استادیار گروه آینده‌پژوهی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

محمد هاشم وزیرزاده / دانشجوی دکتری مدرسی معارف دانشگاه تهران

m.h.Vazirzade55@gmail.com

 orcid.org/0000-0002-2562-9601

 <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۰۳

دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۲۳

چکیده

انسان، محور مباحث علوم انسانی است و پرداختن به مبانی انسان‌شناختی، اصلی‌ترین پیش‌نیاز تحول در علوم انسانی و تمدن‌سازی بشری است. هدف این تحقیق، بررسی و تبیین مبانی انسان‌شناختی مبتنی بر جهان‌بینی الهی است که مؤثر در آینده‌پژوهی دینی می‌باشد، و روش تحقیق حاضر، از نوع توصیفی - تحلیلی و با صورت علمی و موضوع محور بوده و مطالب آن با روش کتابخانه‌ای در عرصه پدیده‌شناختی گردآوری شده است. یافته‌های این تحقیق حاکی است که آینده‌پژوهی اسلامی نسخه‌ای بدیل از آینده‌پژوهی عرفی است که مهم‌ترین ویژگی آن ارتباط با دین است و مکاتب دینی از هر دیدگاه فلسفی و علمی، آینده‌نگرتر هستند. اسلام ماهیت و حقیقت انسان و آینده جهان را ترسیم کرده و در چشم‌اندازی الهام‌بخش، وضعیت مطلوبی را برای بشریت نوید می‌دهد. رسیدن به آرمان‌ها و اعتقاد به هدفمندی رویدادهای آینده در بسیاری از تلاش‌های آینده‌پژوهانه وجود داشته و رمز مشترک بین بسیاری از آینده‌پژوهان است. نتیجه آنکه بدون شناخت مبانی انسان‌شناختی آینده‌پژوهی، توفیق زیادی در شناخت این علم و فن را نخواهیم داشت. در نظام جهان‌بینی الهی، انسان به صورت فطری، میل حرکت به سمت کمال بی‌نهایت را دارد و می‌خواهد با شناخت آینده، کمالات بیشتری را برای خود مهیا کند و همچنین او تنها موجودی است که با اختیار خود، آینده خودش را می‌سازد و تغییر در سرنوشت، وابسته به تغییر اراده‌هاست.

کلیدواژه‌ها: آینده‌پژوهی دینی، مبانی انسان‌شناختی، ماهیت انسان، فطرت، اختیار.

مقدمه

متقابل و کوتاه شدن زمان برای ارتباط‌گیری و بحث رقابت مبتنی بر زمان اهمیت ویژه‌ای یافت (تیشه یار، ۱۳۹۶، ص ۲۵).

در تحقیقات اجتماعی، رشته‌ جدیدی به نام آینده‌پژوهی (Future Studies) پدید آمده که با هدف تحقق آینده مطلوب برای بشریت به مطالعه روشمند و بررسی آینده‌های ممکن، محتمل و مرجح می‌پردازد (ر.ک: عنایت‌الله، ۱۳۸۸، ص ۷). آینده‌پژوهی علم مقصدشناسی و جهت‌یابی است، که کجا و چطور باید برویم؟ و چه مسیری را باید بگذرانیم تا به مقصد عالی خود برسیم؟ (ملکی‌فر و همکاران، ۱۳۸۶، ص ۱۲۲) آینده‌پژوهی به‌معنای شناخت آینده و داشتن آمادگی برای رویارویی با حوادثی که در آن اتفاق می‌افتد، است؛ ترسیم آینده مطلوب در گرو شناخت دقیق و واقعی امکانات خود، شناخت محیط، ارزش‌های حاکم بر محیط و شناسایی عوامل بازدارنده و موانع و آسیب‌هاست.

روند رشد آینده‌پژوهی در قرون ۱۳-۱۵ به‌طور تدریجی در اروپا شدت گرفت و تاکنون به سه نوع عمده از آینده‌پژوهی برمی‌خوریم که عبارتند از: آینده‌پژوهی با توسل به خرافات (خرافی)؛ آینده‌پژوهی با توسل به ابزار علمی (علمی)؛ آینده‌پژوهی با توسل به آموزه‌های وحی (دینی)؛ این نوع آینده‌پژوهی از خرافات پرهیز جدی دارد و تفاوت در برخورداری از جهان‌بینی و پایبندی به ارزش‌ها و حساسیت درباره آنها است (صادقی، ۱۳۹۶، ص ۱۱۲). رویکرد آینده‌اندیشی انسان، از پیش‌بینی و پیشگویی رویدادهای گوناگون آینده، شروع شد و با رشد تخصص‌گرایی در علم و زیاد شدن عوامل و مسائل اجتماعی، به جای فن پیشگویی آینده، علم آینده‌شناسی پا به عرصه وجود گذاشته است.

هر رویداد فکری بر پیش‌فرض‌هایی استوار است که به‌عنوان مبانی بینشی و نگرشی آن، قلمداد می‌شود. آینده‌پژوهی نیز به‌عنوان یک رویداد مهم فکری معاصر، مبتنی بر مبانی معرفتی و گرایشی است و روش‌های آن براساس این مبانی نگاشته می‌شود. آینده‌پژوهی شاخه‌ای از علوم انسانی است و مانند علوم دیگر در مبانی و اصول و روش‌ها، متأثر از جهان‌بینی، ایدئولوژی و فرهنگ جوامع است (ر.ک: جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۸، ص ۱۳). از طرفی نیز مسئله شناخت آینده انسان و جهان، دایر مدار توجه به مبانی علمی مختلفی است، از جمله مبانی انسان‌شناختی و ماهیت وجودی انسان است که باید مورد بررسی قرار بگیرد (ر.ک: عیوضی، ۱۳۸۸).

مکاتب متعددی با دغدغه آینده جهان و انسان، پا به عرصه ظهور گذاشته‌اند. آینده‌پژوهی به‌عنوان علمی جدید و پویا، با سیمای علم تجربی ظهور کرده و دستاوردهای خوبی در این خصوص برای انسان داشته است. شناخت انسان و آینده او در هستی و جایگاه او در شکل‌گیری آینده از مسائل بسیار مهم امروز بشر است.

هر نظریه در علوم انسانی و هر طرح تازه‌ای برای انسان در گرو مبانی انسان‌شناختی است و در برنامه‌ریزی برای آینده انسان نیز مؤثر خواهد بود. به‌همین جهت مسئله اصلی که در این تحقیق به آن پرداخته می‌شود، چگونگی نگاه درستی به انسان و آینده و نقش انسان در شکل‌گیری آن و آینده‌پژوهی مبتنی بر اندیشه اسلامی است. با توجه به اهمیت و حساسیت آینده‌نگری برای جوامع بشری، برخی به‌دنبال تدوین و توجیه آینده‌پژوهی مطابق با مبانی و اصول اسلام هستند. تاکنون در مورد انسان‌شناسی و مبانی آن و آینده‌پژوهی تحقیقات فراوانی انجام شده است؛ اما در خصوص مبانی انسان‌شناختی آینده‌پژوهی اسلامی، کار علمی مستقلی انجام نشده است؛ و این تحقیق از این جهت نو و جدید است و می‌تواند فتح بایی برای ورود این علم، به عرصه علوم انسانی و علوم عقلی نیز باشد. از آنجاکه این تحقیق از موضوعات علوم انسانی است؛ با رویکرد میان‌رشته‌ای و هدف بنیادین و نظری و روش کتابخانه‌ای و شیوه توصیفی و تحلیلی و با صورت علمی و موضوع‌محور و در عرصه پدیده‌شناختی نگاشته شده است. آینده‌نگری در دین اسلام وجود دارد. امیرمؤمنان علی^{علیه السلام} فرمودند: «أَلَا إِنَّ فِيهِ عِلْمَ مَا يَأْتِي وَ الْحَدِيثَ عَنِ الْمَاضِي...» (نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، خطبه ۱۵۸، ص ۲۲۳)؛ آگاه باشید که در قرآن علم به آینده و سخن از گذشتگان نیز آمده است. قرآن کریم کتاب هدایت بشریت و چراغ راه طالبان حق و حقیقت است و آینده را برای انسان مومن و غیرمؤمن ترسیم کرده است و رسیدن به آن قطعی و تخلف‌ناپذیر خواهد بود. بهره‌مند شدن از این راه شناخت، انسان را در انتخاب مسیر حرکت و آینده کمک خواهد کرد.

کنجکاو و تفکر در مورد آینده، قدمتی به اندازه عمر بشر روی زمین دارد و در میان همه اقوام و جوامع وجود دارد و با پیشرفت علم و تکنولوژی، داستان‌های علمی و تخیلی نیز برای ترسیم چهره آینده به کار می‌آمدند و با گسترش چشم‌گیر ابزارهای اطلاعاتی و شبکه‌های ارتباطی، پیچیدگی روابط، افزایش عدم قطعیت‌ها، وابستگی‌های

در علم فرارشته‌ای آینده‌پژوهی، می‌توان از مبانی متعددی بحث کرد، و خیلی از مبانی در علوم دیگر اثبات شده‌اند در این علم مورد استفاده قرار می‌گیرد و نیاز به اثبات مجدد ندارد.

کتاب *مبانی آینده‌پژوهی* (بل، ۱۳۹۲) که مهم‌ترین کتاب در این حوزه است، تنها به مبانی معرفت‌شناسی این علم پرداخته و به‌طور اجمال و گذرا نیز از دیگر مبانی آن سخن به میان آورده است.

کتاب *درآمدی بر آینده‌پژوهی اسلامی* (پدرام و عیوضی، ۱۳۹۵)، نیز بیشتر به دنبال اثبات امکان پرداختن به آینده‌پژوهی اسلامی و راهبردهای تحقق آن توجه داشته است و کمتر به مبانی آینده‌پژوهی پرداخته است. از میان بدیل‌های آینده‌پژوهی عرفی، آینده‌پژوهی اسلامی را به‌عنوان بهترین بدیل این علم معرفی می‌کند، و همچنین به ضرورت و دلایل اهمیت بازنگری در آینده‌پژوهی عرفی می‌پردازد.

کتاب *مبانی آینده‌پژوهی از دیدگاه فلاسفه اسلامی* (تقوی‌نسب و کرامت‌زاده، ۱۳۹۸)، در فصل اول به بحث ارتباط معرفت‌شناسی اسلامی با آینده‌پژوهی پرداخته و در فصل دوم به بحث جبر و اختیار از دیدگاه متکلمان و آراء فلاسفه‌ای مانند شیخ طوسی، ابن‌عربی، صدرالمألهین و متأخرین و ارتباط آن با آینده اشاره کرده‌اند و در فصل دیگر به ارتباط بین فلسفه تاریخ و آینده‌پژوهی نیز اشاره کرده‌اند.

کتاب *مبانی آینده‌پژوهی* (رستمی و عیسی‌کشاورز، ۱۳۹۷)، نویسندگان بیشترین تأکید خود را بعد از پرداختن به تاریخچه و تعریف و مفهوم آینده‌پژوهی به روندهای این علم و به ارتباط این علم با مدیریت می‌پردازند.

کتاب *الفبای آینده‌پژوهی* (ملکی‌فر و همکاران، ۱۳۸۶)، در ۱۷ فصل تدوین شده و نویسنده بیشتر به اصول موضوعه با نگاه هستی‌شناسانه و رویکردها و گونه‌های مختلف آینده‌پژوهی و روش‌های کلید آن پرداخته است و تنها در مقدمه فصل سوم به نقش انسان در ساختن آینده میزان پیش‌بینی او نسبت به آینده را اشاره کرده است.

سؤال‌های اصلی پژوهش عبارتند از: (۱) چگونه می‌توان با دانش آینده‌پژوهی، فرایند شکل‌گیری آینده انسان را ترسیم کرد؟ (۲) میزان و نحوه استفاده از دین در آینده‌پژوهی برای شکل‌گیری آینده انسان چقدر است؟

سؤال‌ات فرعی نیز بدین قرارند: (۱) مبانی انسان‌شناختی آینده‌پژوهی اسلامی چیست؟ (۲) دلیل برتری مبانی انسان‌شناختی

آینده‌پژوهی اسلامی چیست؟

در زمینه انسان‌شناختی و آینده‌پژوهی کتاب، پایان‌نامه و مقالات ارزشمندی نوشته شده است؛ اما امتیاز تحقیق حاضر بر آنها در این است که تا به حال به این موضوع پرداخته نشده و موضوع کاملاً نو و جدید است و همچنین ترکیب انسان‌شناختی و آینده‌پژوهی فتح‌بابی برای ورود این علم، به عرصه علوم انسانی و علوم عقلی نیز می‌شود. نتایج این تحقیق در موضوعات مختلف و برای مراکز علمی و کاربردی می‌تواند مفید و راهگشا باشد:

- مراکز علمی آینده‌پژوهی و پژوهشگران این رشته؛
- فعال نمودن حوزه‌های علمی دینی برای ورود به عرصه‌های علم کلام جدید و تبیین دیدگاه‌های اسلامی و دفاع از آن؛
- ضرورت نقد مبانی آینده‌پژوهی غربی و تبیین عدم برنامه و آینده روشن غرب، برای بشریت؛
- تبیین و اثبات برنامه اسلام برای آینده بشریت در تمام سطوح (سبک زندگی اسلامی).

۱. مبانی نظری و مفهومی

از آنجاکه معنای دقیق اجزای موضوع تحقیق، پیش‌شرط ورود به مباحث نظری و شناخت واقعیت‌هاست؛ لازم است ارکان مفهومی بحث، مانند مبانی، شناخت، انسان‌شناسی، مبانی انسان‌شناسی به منظور تحلیل و واکاوی هرچه بهتر موضوع، برداشت‌های مفهومی مختار را ارائه دهیم.

الف. مبانی

لغت‌شناسان مبانی را جمع مبنای به معنای شالوده، بنیان، اساس، پایه، ریشه دانسته‌اند (بستانی، ۱۳۷۵، ص ۷۷۶). برای اصطلاح مبانی در هریک از دانش‌های بشری با پیش‌فرض‌هایی روبه‌رو هستیم که یا گزاره‌های خبری (توصیفی) و بدیهی‌اند یا در علوم دیگر به اثبات می‌رسند. این پیش‌فرض‌ها را مبانی می‌نامند؛ زیرا زیربنای بنیان‌های دیگر به‌شمار می‌روند (گروهی از نویسندگان، ۱۳۹۱، ص ۶۵). مبانی با توجه به پرسش‌هایی که پیش از پرداختن به یک علم باید پاسخی برای آنها فراهم کرده باشیم، متنوع است. معمولاً در علوم مختلف، اصول را از مبانی و روش‌ها را از اصول، اتخاذ می‌کنند و مبانی بر اصول و روش‌ها مقدم است.

ب. انسان‌شناسی

انسان در آموزه‌های دینی، موجودی دو بعدی و ترکیب‌یافته از دو عنصر جسم و روح است (رجبی، ۱۳۹۰، ص ۱۱۵). بدون تردید این دو بر یکدیگر تأثیر متقابل دارند و این تأثیر، از دو جانب به حساب اختلافات استعدادها و مزاج‌ها و احوال نفوس، در شدت و ضعف و در تأثیر هریک از نفس و بدن بر دیگری، مختلف است (حسن‌زاده آملی، ۱۳۸۰، ص ۱۹). از نظر قرآن کریم، انسان گل سرسبد جهان آفرینش و اشرف مخلوقات و موجودی بااستعداد فوق‌العاده است (مغنیه، ۱۴۲۴ق، ج ۳، ص ۴۶). حقیقت انسان، روح اوست که با جسم در ارتباط است و با عنایت به ارتباط بین آن دو، می‌توان آینده‌ای مطلوب که هر دو ساحت جسم و روح را با هم بر بگیرد، برنامه‌ریزی کرد. خداوند انسان را به گونه‌ای آفریده که اگر بخواهد و تلاش کند می‌تواند عالم را به تسخیر خود دریاورد. در حدیث قدسی آمده است که خداوند می‌فرماید: «عبدی خلقت الأشیاء لأجلک و خلقتک لأجلی...» (حافظ برسی، ۱۴۲۲ق، ص ۲۸۳؛ حرعاملی، ۱۳۸۰، ص ۷۱۰)؛ بنده من، تمام عالم را برای تو خلق کردم و تو را برای خودم... و نیز می‌تواند راهی را انتخاب کند که از حیوانات نیز بدتر و پایین‌تر برود و به تعبیر قرآن به مقام «أَسْفَلَ سَافِلِینَ» (تین: ۵) سقوط کند. مکتب اسلام کامل‌ترین و والاترین تصویر را از انسان به نمایش می‌گذارد و هدف مشخص و بلندی را برای حرکت به سمت کمال او معین کرده است.

انسان‌شناسی به معنای عام، هرگونه منظومه معرفتی درباره چستی، سرشت، ویژگی‌ها، ابعاد و سرنوشت انسان و یا گروه یا قشر خاصی از انسان‌هاست (مصباح یزدی، ۱۳۹۶، ص ۲۱). انسان‌شناسی، در طول علوم انسانی است و اساس آن علم حساب می‌شود. بدون آگاهی از انسان‌شناسی، پرداختن به هریک از علوم انسانی غیرمنطقی و ناصحیح خواهد بود. تنها انسان‌شناسی دینی است که می‌تواند ماهیت و حقیقت انسان را معرفی کند؛ و منظور از انسان‌شناسی دینی، همان انسان‌شناسی جامع و کل‌نگر، براساس قرآن و سنت و عقل است.

هرچه شناخت ما از انسان عمیق‌تر و دقیق‌تر باشد، رسیدن به اصول و روش‌ها و برنامه‌ریزی برای آن دارای اتقان بیشتری خواهد بود. مبانی انسان‌شناختی گزاره‌هایی خبری از دانش انسان‌شناسی است و آن دسته از قضایای فلسفی است که به بررسی نحوه وجود ابعاد و احوال وجودی انسان می‌پردازد (لطیفی، ۱۳۹۶، ص ۵۹).

مبانی انسان‌شناختی را می‌توان گزاره‌هایی واقع‌نگر در رابطه با انسان و ویژگی‌های او در نظر گرفت و شامل دلایل، مفاهیم اساسی و اصول کلی انسان‌شناسی و اصول موضوعه کلامی و فلسفی آن است. همچنین پیش‌فرض‌ها یا گزاره‌های خبری (توصیفی) و بدیهی که در علوم دیگر به اثبات می‌رسند، را شامل می‌شود. مبانی انسان‌شناختی ارتباط مستقیم با موجودیت علوم انسانی دارد.

ج. آینده‌پژوهی

آینده‌پژوهی فرایندی علمی است که استدلال، انتخاب و اقدام را در می‌آمیزد (بل، ۱۳۹۲، ص ۱۷۶) و عقلانیت و تکرارپذیری بر آن حاکم است و برای مطالعه آینده برخلاف طالع‌بینی و غیب‌گویی از ابزارهای علمی و منطقی استفاده می‌کند (پدرام و عیوضی، ۱۳۹۵، ص ۶). آینده‌پژوهی تصاویری از آینده در اختیار ما قرار می‌دهد تا در زمان حال، براساس این تصاویر بتوانیم به شکل کارآمدتری تصمیم‌گیری کنیم. این تصاویر در چهار مقوله طبقه‌بندی می‌شوند: «آینده‌های ممکن»، «آینده‌های محتمل»، «آینده مرجح» و «آینده مطلوب»، که اینها موضوع آینده‌پژوهی برای دگرگونی از حال به آینده هستند. *وندل بل*، آینده‌پژوهی را چنین تعریف کرده است: «آینده‌پژوهی علم و هنر کشف آینده و شکل بخشیدن به دنیای مطلوب فردا» (ملکی فر و همکاران، ۱۳۸۶، ص ۷). *سپیل عنایت‌الله* می‌گوید: آینده‌پژوهی بیش از آنکه به فکر پیش‌بینی آینده باشد درصدد ترسیم راه‌های جدید سازماندهی تصمیم‌گیری‌ها و افراد، جهت مشارکت در آن تصمیم‌هاست (عنایت‌الله، ۱۳۸۸، ص ۱۱).

ترسیم آینده‌های بدیل در گرو شناخت دقیق و واقعی امکانات خود، شرایط محیط، ارزش‌های حاکم بر محیط و شناسایی عوامل بازدارنده است. مدیریت تغییر نیز پیگیری آینده‌های مرجح و تلاش در راستای تبدیل آینده‌های ممکن به آینده‌های محتمل و مقابله مؤثر با تهدیدات و آسیب‌پذیری‌های آینده و ایجاد رشد و توانمندی جامعه مبتنی بر آینده‌پژوهی است؛ چراکه از الزامات تدوین راهبرد ملی و نیز پیش‌نیاز طراحی برنامه‌های میان‌مدت توسعه، آینده‌پژوهی است.

د. آینده‌پژوهی دینی

در طول دوره حیات انسان و تاریخ تمدن بشری، همواره همراه اعتقاد دینی بوده است. هر مکتب و آیینی براساس جهان‌بینی بنا شده است و

با یکدیگر متفاوت‌اند، مفید و کارآمد نیست. از طرفی ایدئولوژی‌ها با تفاوت جهان‌بینی‌ها، متفاوت می‌شوند و به‌تبع آن، آینده مطلوب و مسیر رسیدن به آن در ایدئولوژی نیز متفاوت خواهد بود. بنابراین هر جامعه‌ای باید به‌دنبال بومی‌سازی آینده‌پژوهی براساس جهان‌بینی خود باشد. آینده‌پژوهی غربی براساس جهان‌بینی غربی، سکولار بوده و از منبع دینی استفاده نمی‌کند؛ درحالی‌که آینده‌پژوهی دینی براساس جهان‌بینی دینی، علاوه بر منبع عظیم و نامحدود دین، از روش‌های عقلی، تجربی و شهودی نیز استفاده می‌کند و روش‌ها و برنامه‌ها و اهداف آن نیز کامل‌تر و دقیق‌تر خواهد بود. از طرفی اسلام برای تمام عرصه‌ها و ساحت‌های وجودی انسان برنامه مدون و توصیه‌های راهگشا دارد که باعث اثربخشی و کارایی بهتر آینده‌پژوهی می‌شود و افق جدیدی از آینده در سایه معارف دینی، در مقابل انسان باز می‌کند و آینده انسان را منحصر در زندگی مادی و دنیایی او نمی‌کند. بنابراین شکل‌دهی آینده‌پژوهی دینی که نسخه بدیل آینده‌پژوهی غربی است، برای جوامع دینی که جهان‌بینی غیر از جهان‌بینی غربی دارند، لازم و ضروری است تا با آن آینده مطلوب مدنظر خود و جوامع خود را بسازند.

۲. مبانی انسان‌شناختی آینده‌پژوهی اسلام

انسان‌شناختی اسلامی و مبانی آینده‌پژوهی بر پیش‌فرض‌هایی استوار هستند که جداگانه در کتاب‌ها و مقالات متعدد به آنها پرداخته شده است. در این بخش به بررسی و تبیین مبانی انسان‌شناختی اسلامی که در علم آینده‌پژوهی مؤثر است و نیز آن دسته از مبانی که تأثیر مستقیم و مهم‌تری در ساخت و شناخت آینده و مطالعات آینده‌پژوهی دارد، پرداخته می‌شود؛ همچنین به دنبال ترسیم مسیر حرکت و شکل‌دهی دانش آینده‌پژوهی اسلامی بر مبنای انسان‌شناختی صحیح اسلامی هستیم.

الف. نفس انسان و توانایی‌های او

هر مکتبی به‌طور طبیعی از ابعاد گوناگون به انسان می‌پردازد؛ اما آنچه مورد اهمیت است، دیدگاه کلی آن مکتب درباره انسان است. در این نگرش کلی و اجمالی، تعیین جایگاه و منزلت انسان در نظام هستی، یکی از محورهایی است که باید کانون توجه باشد (جوادی آملی، ۱۳۸۴، ص ۲۹۳). در اندیشه دینی، انسان از دو چیز مختلف

طبق آن روش زندگی و هدف نهایی پیروان خودش را ترسیم می‌کند که رویکرد آینده‌نگری دارد. بنابراین مکاتب دینی از هر دیدگاه دیگری، آینده‌نگرتر هستند، هدایت فعالیت‌ها به‌منظور ساختن آینده‌ای مطلوب، از مهم‌ترین توصیه‌های دینی برای تحقق زندگی جاودانه است (رک: منطقی، ۱۳۹۱). آینده‌پژوهی دینی نسخه‌ای بدیل از آینده‌پژوهی عرفی است که مهم‌ترین ویژگی آن ارتباط با دین است (پدرام و عیوضی، ۱۳۹۵، ص ۱۲۴) و مبانی و اصول موضوعه خود را از اسلام ناب اخذ می‌کند و نگاه به امر مقدس «ظهور» دارد؛ اما در صورت لزوم از ابزارها و تکنیک‌های آینده‌پژوهی عرفی با رعایت ملاحظات خاص استفاده می‌کند (مسلمی‌زاده، ۱۳۸۴، ص ۹). میان آینده‌پژوهی علمی با آینده‌پژوهی اسلامی، تفاوت ماهوی با هم دارند؛ آینده‌پژوهی علمی، غالباً تصویرهایی منفی و یا نگران‌کننده از آینده بشریت ارائه می‌دهد و خیر و شر نهایی بشر را به پیشرفت‌های فناوری موکول می‌کند؛ اما آینده‌پژوهی دینی، نگرشی سبز و روینده و بلند به آینده بشریت دارد (همان). آینده‌پژوهی دینی با رویکرد جدید پژوهشی و نظریه‌پردازانه و نگاه کلان و کل‌نگر، انسان‌ها را متوجه شناخت آینده و ساختن آن می‌کند. مکتب اسلام با بینش و نگرش مستند و متقن، برگرفته از قرآن و سنت، برای رسیدن بشریت به قله کمال و سعادت دنیایی و اخروی استفاده می‌کند و چشم‌انداز و افق روشن و وضعیت مطلوب را برای بشریت را در مقابل پیروان خود قرار می‌دهد. آینده‌پژوهان به‌دنبال تصویر و یا خلق آینده مطلوب هستند و این مهم از طریق آموزه‌های دینی سریع‌تر و شفاف‌تر خواهد بود. در جهان‌بینی اسلام، انسان منحصر و محصور به همین عالم طبیعت نیست و مرگ را پایان کار انسان نمی‌داند و علاوه بر اطلاع از وقایع بعد از مرگ انسان، در برنامه‌ریزی و آینده‌نگر، انسان‌ها را نیز به آن توجه داده است، و آنها را به تحصیل زندگی مطلوب و همیشگی و معقول و انسانی در دنیا و آخرت سوق می‌دهد.

اندیشه دینی اندیشمندان بر علوم اثرگذار است و بدون تردید نوع نگاه دین به معرفت بشری، بر رویکرد یک دانشمند دینی تأثیرگذار است. این امور به چگونگی تأثیرگذاری دین بر علوم بشری مربوط می‌شود که از آن به علم دینی یا اسلامی‌سازی علوم یاد می‌شود (بهروزی‌لک، ۱۳۹۵). زادگاه آینده‌پژوهی، غرب است و براساس جهان‌بینی غربی، تحقق آینده مطلوب را هدف خود قرار می‌دهد که این هدف و جهان‌بینی برای دیگر جوامع غیرغربی که در جهان‌بینی

آفریده شده است: یکی در حد اعلای عظمت، یعنی روح و نفس ناطقه انسانی؛ و دیگری ظاهراً در حد ادنی از نظر ارزش، یعنی بدن و جسم انسان (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۱۱، ص ۷۹). جمله قرآنی «إِنَّ اللَّهَ لَا يُعَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُعَيِّرُوهُمَا بِأَنفُسِهِمْ» (رعد: ۱۱) یک سنت الهی و قانونی سرنوشت‌ساز و حرکت‌آفرین را بیان می‌کند، که اگر کسی خود را نشانسد، منتظر می‌ماند تا کسی راه را برای حرکت او هموار کند و او بدون دردسر به راهش ادامه دهد؛ غافل از اینکه خداوند متعال نفس انسان را خلاق و دارای توانایی‌های و استعدادهایی قرار داده است که انسان فقط باید آنها را بشناسد و به فعلیت برساند و آینده‌ای زیبا برای خود و جامعه‌اش رقم بزند (صفایی حائری، ۱۳۸۶، ص ۱۸).

حرکت برای انسان فقط به دو جهت امکان دارد؛ یا حرکت رو به جلو و صعود به سمت قله انسانیت و یا عقب‌گرد و سقوط در پرتگاه حیوانیت است. همه انسان‌ها، شیفته ابدیت و خواهان زندگی جاوید هستند؛ و به اقتضای همین ویژگی نفسانی و درونی، انسان به دنبال اطلاع از آینده و شناخت آن و تطبیق خود با آن آینده محتمل است و تمام تلاش خود را به کار می‌برد تا آینده مطلوب و آبادی را برای خود بسازد و او را آینده پژوه و آینده‌نگر سازد که در تمام کارهایش، نیم‌نگاهی هم به آینده داشته باشد و به نتایج کارهای خود که در آینده اتفاق می‌افتد، فکر می‌کند. کسی که ظرفیت خود را بشناسد، حرکتش محدود به زندگی دنیایی نمی‌شود.

از ویژگی‌های انسان این است که او بیشترین توان رشد و بالاترین قدرت تأثیرگذاری بر احوال، افکار و اعمال خود و دیگر مخلوقات را دارد. این، مهم‌ترین عامل تمایز انسان از سایر موجودات است (میرباقری، ۱۳۹۳، ص ۶۹). هدف تمام علوم این است که انسان را به سکوی انسانیت سوق بدهند و تأکید قرآن بر فعلیت بخشیدن استعداد و قوای درونی انسان و ظرفیت‌های خود را بروز دهد و متعلق با اخلاق نیک شود (ر.ک: طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۶ ص ۲۴۳). شناخت استعدادها و توانایی‌های درونی انسان، می‌تواند افق و آینده روشن را در مقابل او ترسیم کند که با رفتن آن مسیر، به کمال حقیقی و قله انسانیت برسد؛ یا گرفتار خسران دنیا و آخرت شود. این شناخت، علاوه بر تأثیر در حوزه آینده‌پژوهی فردی، در آینده‌پژوهی اجتماعی نیز مؤثر و کارگشا خواهد بود.

نفس انسان، مانند هرمی است که سه سطح جانبی دارد: بُعد

آگاهی و شناخت، بُعد قدرت و بُعد محبت؛ که با سه واژه علم، محبت و قدرت از آنها یاد می‌کنیم. این سه غریزه، از حب نفس نشئت می‌گیرند و هر کدام شاخه‌های اصلی و فرعی زیادی دارد و متأثر از عوامل مختلفی هستند و نیز منشأ فعالیت‌های زیاد دیگری خواهند بود (ر.ک: مصباح یزدی، ۱۳۸۸، ص ۱۸۱). با توجه به ویژگی‌ها و خصوصیات ویژه نفس انسان، آینده‌نگری و آینده‌اندیشی برای رشد و کمال و رسیدن به سعادت ابدی انسان، متوقف بر شناخت استعدادها و آن و خلاقیت نفس در ترکیب توانایی‌هاست. هرچه این شناخت بیشتر باشد، یقیناً معرفت و برنامه‌ریزی برای آینده خود و دیگران هم دقیق‌تر و بهتر خواهد بود. کسی که نفس را به معنای واقعی شناخته و آن را غیرمادی و جاودان در عالم دیگر غیر از عالم ماده می‌داند، و مرگ را نابودی نمی‌داند و بلکه آن را تولدی دیگر می‌پندارد؛ به اندازه همان حیاتش برنامه‌ریزی و آینده‌نگری خواهد داشت، انسان وقتی خود و ظرفیت‌های درونی خود را شناخت، زندگی خود را محصور به دنیا نمی‌کند؛ و از طرفی با زندگی دنیوی هم قهر نمی‌کند و چون از طریق همین زندگی و عالم مادی، عالم دیگر توسط اعمال انسان، ساخته می‌شود و بازتاب اعمال اختیاری او هستند؛ بنابراین انسان صاحب معرفت و عمل صالح دوست ندارد زود از این دنیا رخت ببندد؛ زیرا با حضور بیشتر در این عالم، می‌تواند زندگی آبادتری در عالم دیگر برای خود بسازد؛ و این خود نوعی آینده‌نگری و توجه انسان به آینده خویش است. بنابراین شناخت نفس و ظرفیت‌های آن بسیار مؤثر است.

ب. فطرت انسان

بحث فطرت یکی از مسائل مهم و زیربنایی انسان‌شناسی است؛ به نحوی که برخی از اندیشمندان مسلمان، فطرت را «ام‌المعارف مسائل انسانی» (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۲۸، ص ۳۶۱) می‌دانند. فطرت از ماده «فَطَرَ» در لغت به معنای شکافتن (حسینی زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۷، ص ۳۵۰)، گشودن شیء و ابراز آن (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۵۱۰)، ابتدا و اختراع (ابن‌اثیر جزری، ۱۳۶۷، ج ۳، ص ۴۵۷)، و خلق کردن (فیومی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۴۷۶)، شکافتن از طول، ایجاد و ابداع (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۶۴۰) است.

به کار بردن فطرت برای انسان به معنای سرشت خاص و آفرینش ویژه برای انسان است و امور فطری، یعنی آنچه که نوع

پرسش از دیگران در مورد آینده می‌کند و به دنبال شناخت و پرده برداشتن از ابهامات آن و ساختن آینده دلخواه خودش است.

اسلام دین فطری است؛ یعنی آموزه‌های اسلام با تمام ابعاد انسان هماهنگ است و برای تمام ساحت‌های او برنامه دارد و انسان با اسلام بن بست نمی‌رسد (ر.ک: صفایی حائری، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۱۲۳). انسان به مقتضای فطرتش در او شوری ریخته شده است که دائماً در حرکت باشد و توقف و ایستادن را دوست ندارد و کسی که حرکت ندارد، خود را با تنوع‌ها مشغول می‌کند تا بر این نقص خود سرپوش بگذارد و خود را فریب دهد تا خیال کند که حرکت می‌کند (ر.ک: صفایی حائری، ۱۳۸۶، ص ۱۷). انسان می‌خواهد آینده را ببیند تا با چشم باز به سمت آن حرکت کند؛ نه اینکه چشم باز کند و آینده را مقابل خود ببیند و غافلگیر شود. او به مقتضای فطرتش باید آینده‌نگری داشته باشد. او برای حرکت کردن، باید مسیر را خوب بشناسد تا خود را از رهن‌ها و از بیراهه رفتن حفظ کند و با تصویری شفاف از آینده، مسیر خود را به سمت آینده مطلوب انتخاب کند و اقدام‌های خود را در برابر اتفاق‌ها از منفعلانه عمل کردن به عملکرد فعال تغییر دهد و همچنین حرکت خود را با برنامه و طرح‌ریزی براساس تصویرهای مثبت از آینده تنظیم کند و آینده خود و جامعه‌اش را آن‌گونه که دوست دارد، بسازد. البته بهترین آینده، آینده‌ای است که براساس آموزه‌های دینی بنا نهاده شود و باعث خیر دنیا و آخرت گردد.

ج. کمال‌خواهی انسان

انسان فطرتاً کمال‌جوست و به مقتضای آن تا به کمال مطلق و لایتناهی نرسد، در تلاش و تکاپو خواهد بود و همین ویژگی او را مجبور به آینده‌نگری و دوران‌دیشی می‌کند که برای به دست آوردن آینده مطلوب و شناخت و ساختن آن حرکت داشته باشد. در مورد معنای کمال، راعب/صفهانی می‌گوید: «کَمَالُ الشَّيْءِ» به دست آوردن یا حاصل شدن آنچه را که عرض و مقصود از چیزی است (راعب/صفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۷۲۶). اندیشمندان هر علمی کمال انسان را متناسب با حوزه تخصص خود تعریف می‌کنند و هر کدام کمال را در رشته علمی خاص خود می‌داند. در روایات معصومان^{علیهم‌السلام} نیز آمده است که همه کمال انسان، در امری، مانند «تَفَقُّهُ فِي دِينِ» است: «الْكَمَالُ كُلُّ الْكَمَالِ: التَّفَقُّهُ فِي الدِّينِ» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۷۸). تفقه در دین، عبارت از دین‌شناسی و دین‌باوری و به معنای

خلقت انسان اقتضا دارد و برای رسیدن به کمال به آن نیاز دارد، خداوند در درون او قرار داده است و این امور به صورت مشترک و ثابت در تمام انسان‌ها وجود دارد (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۸۴، ص ۲۳). صفحه جان انسان موقع تولد، نه خالی و سفید است که تنها با روابط اجتماعی علمی را بیاموزد و آن را پر کند و نه چنان است که او مجبور به انجام یک سری کارهایی از قبل تعیین شده باشد. فطرت به این معناست که خداوند بذر و استعداد خوب و بد بودن را درون انسان قرار داده و او می‌تواند فردی سعادتمند و در عین حال فردی شقی باشد. این انسان است که با اختیار و آزادی خود یکی را انتخاب می‌کند و به سمت آن می‌رود. لازمه اختیار انسان این است که احتمال اشتباه در تشخیص راه صحیح وجود دارد و او می‌تواند از مقصد و کمال حقیقی دور شود. خداوند انسان را که جزئی از نظام هستی است، به صورت غریزی و فطری، به سوی تکمیل نواقص و رفع حوائجش هدایت کرده، و دین و آیین درست زندگی کردن و راه رسیدن به سعادت را و خطرات و دشمنان در کمین نشست‌اش را به او نشان داده است.

در انسان، حقیقت‌جویی و عقب‌زدن پرده جهالت یک میل طبیعی است (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۱۵، ص ۱۴۵). رسالت انبیاء مراقبت از انسان است تا از مسیر فطرتش خارج نشود (همان، ص ۸۲۱). انبیاء الهی با علم الهی، از حقیقت و ظاهر و باطن انسان علم و آگاهی دارند و آموزه‌های دین مطابق فطرت و سازگار با جسم و روح انسان است، و علاوه بر آسایش دنیایی و مؤثر برای رسیدن به سعادت اخروی او وضع شده است. بهترین الگو و برنامه را دین که مطابق فطرت انسان است برای بشر ارائه داده است. براساس فطرت، انسان یک طرح و الگو برای حرکت به سمت کمال در درون خود دارد و عوامل و شرایط تربیتی درونی و بیرونی انسان در ساحت‌های مختلف، می‌تواند بر رشد یا تضعیف آن مؤثر باشد.

گرایش فطری و غریزی به شناختن حقایق و آگاهی از واقعیت‌هاست که از آغاز کودکی در هر انسانی ظاهر می‌شود و تا پایان عمر ادامه دارد (مصباح یزدی، ۱۳۸۹، ص ۱۰۸). فطرت انسان، نیرویی درونی است که او را به سمت بی‌نهایت شدن می‌کشاند و او را به تکاپو و حرکت وامی‌دارد و همین ویژگی او را مجبور به آینده‌نگری و دوران‌دیشی می‌کند و به سمت دستیابی به آینده مطلوب و شناخت و ساختن آن، حرکت می‌دهد. انسان را وادار به تفکر در ذهن خود یا

و تسلط بیشتر بر طبیعت است و انسان را فقط تا قبل مرگ همراهی می‌کند؛ غافل از اینکه انسان براساس بی‌نهایت بودنش، بی‌نهایت کمال طلب است، و کسی که کمال حقیقی را با جهان‌بینی الهی جست‌وجو می‌کند، قطعاً این عالم مادی نمی‌تواند ظرفی برای آن کمال معنوی و رسیدن به آن باشد؛ بلکه باید برای رسیدن به آن در عالمی از جنس همان کمال، تلاش و برنامه‌ریزی کند. آینده‌پژوهی اسلامی نه فقط برای دنیا، که برای آخرت و زمانی که انسان در این دنیای مادی زندگی نمی‌کند، دستور و برنامه دارد و نگاه بشر را به عالم بالاتر از عالم مادی و دنیا، توجه می‌دهد. این نمونه کوچکی از آینده‌نگری اسلام براساس فطرت الهی و کمال‌خواهی انسان است و افراد طالب سعادت و سود بیشتر و آینده‌نگر می‌توانند از آینده‌نگری اسلامی استفاده کنند و به نیاز درونی آرمان‌گرایی و کمال‌خواهی و سعادت حقیقی خود پاسخ مناسب و مطابق فطرت انسانی بدهند و آینده را بشناسند و آن را به بهترین نحو بسازند.

آینده‌پژوهی محصول خصوصیت کمال‌گرایی انسان است؛ چون این ویژگی در همه انسان‌ها، اعم از خداگرا و غیرخداگرا وجود دارد و خاستگاه فلسفی آن، کمال‌گرایی و حرکت به‌سوی جامعه مطلوب تعریف شده است (صادقی، ۱۳۹۶، ص ۴۷). مکتب اسلام با عنایت قرآن و سنت، چشم‌اندازی الهام‌بخش و وضعیت مطلوبی را برای آینده بشریت نوید می‌دهد. تلاش و کوشش و برنامه‌ریزی برای رسیدن به کمال مطلوب، مهم و ضروری است و کسی که به سمت کمال حرکت نکند، تلاش او بی‌نتیجه خواهد ماند و به مقصد نهایی خود نمی‌رسد. یکی از دغدغه‌های آینده‌پژوهان در تمام عرصه‌ها، پیش‌بینی آینده با درصد خطای کم است. هرچقدر انسان به کمال نزدیک شده باشد و براساس آن علم یقینی که دارد، برنامه‌ریزی کند و در جهت تحقق کمال خود و دیگران و برپایی عدالت اجتماعی تلاش کند، مؤثرتر و دقیق‌تر در سعادت دنیا و آخرت خواهد بود. برخلاف دیگر اندیشمندان مادی، که اطلاع آنها از آینده براساس حدس و گمان و تنها محصور به عالم مادی و دنیاست.

د. هدفمند بودن انسان

انسان هماهنگ با نظام آفرینش، هدفمند بوده و در همه افعال اختیاری خود هدفی را دنبال می‌کند و خداوند راه بی‌خطر و درست را به انسان نشان داده است: «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ» (انسان: ۳)؛ تا او به

ماهر و محض بودن در دین است (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ص ۵۱). از آنجاکه فهم دقیق از دین و تفقه امری تشکیکی است؛ هرکس به اندازه توان و استعداد و تلاش خود، از کمال بهره‌مند می‌شود و مهم‌تر از آن، مشخص شدن محور و مدار تکامل انسان است که به کدام جهت در حال حرکت و تکامل است (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۸۵، ص ۲۹۹). اگر انسان به مقصود و غرضی که خداوند او را خلق کرده، برسد، به کمال رسیده است و کمال و صفات وجودی امری تشکیکی هستند؛ یعنی ممکن از فردی به تمام درجات کمال دست یابد و دیگری به نیمی از کمالات انسانی برسد. کسی که به کمال حقیقی انسانی دست یافته است، به اذن خداوند می‌تواند در این عالم تصرف کند و برخی از قوانین مادی را تغییر بدهد.

فطری بودن کمال‌خواهی انسان، به این معناست که محتاج به برانگیختن عامل بیرونی نیست. غریزه کمال‌خواهی در هر انسانی وجود دارد. ما انسان‌ها براساس حب ذات می‌خواهیم کامل شویم و به مطلوب واقعی خویش دست یابیم؛ اما کمال خود را نمی‌شناسیم و نمی‌دانیم از چه راهی حاصل می‌گردد (مصباح یزدی، ۱۳۸۴، ص ۳۳). هر چیزی که انسان برای رسیدن به کمال نیاز دارد، در وجود خودش یافت می‌شود. کمال انسان و بروز و ظهور استعدادها و توانایی‌های او به رشد و تکوین جوهر وجودیش بستگی دارد (نسفی، ۱۳۷۹، ص ۶۸).

انسان برای رسیدن به کمال ابتدا باید حقیقت نفس و ظرفیت‌ها و جایگاه خود را بشناسد و اینکه مقصدش کجاست؟ و برای چه می‌خواهد تلاش کند؟ بداند که او خلیفه‌الله است و متناسب با آن حقیقت و جایگاه و ظرفیت وجودی خود، به عمل اهتمام داشته باشد و به دنبال تحقق حیات مطلوب و آرمانی خود باشد. سنت الهی در نظام هستی بر این است که اگر تک‌تک انسان‌ها خود را در مسیر کمال قرار ندهند و متحول نکنند، زندگی اجتماعی آنها نیز تغییری نخواهد کرد (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۸۹، ص ۱۹۵). کمال مطلوب و رفتارهای انسان، متأثر از جهان‌بینی افراد است و رابطه‌ای دقیق و عمیق بین آنها وجود دارد. آینده‌پژوهی و برنامه‌ریزی برای آینده و روش‌های رسیدن به آینده مطلوب نیز به جهان‌بینی و تفکر انسان از جهان، خود و جامعه بستگی دارد. کسانی که کمال انسان را با جهان‌بینی مادی جست‌وجو می‌کنند، یقیناً آن را فقط در همین عالم خاکی و مادی می‌یابد و برای رسیدن به آن کمال تلاش می‌کنند. هدف آینده‌پژوهی عرفی، آسایش و رفاه بیشتر زندگی مادی انسان‌ها

«مالک خویشتن» می‌شود و شخصیتش استحکام می‌یابد (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۲۸۳). در قرآن کریم خداوند یک سنت و قانون کلی را بیان فرموده است که: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُعَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُعَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (رعد: ۱۱)؛ خدا نعمتی را که نزد گروهی هست، تغییر ندهد؛ تا آنچه را که ایشان در ضمیرشان هست، تغییر دهند. این قاعده کلی در تبدیل نعمت به نعمت و عقاب است (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۱۳۳) و یکی از پایه‌های اساسی جهان‌بینی و جامعه‌شناسی در اسلام محسوب می‌شود. خداوند آینده هر کس را در دستان خودش قرار داده و هرگونه تغییر و خوشبختی و بدبختی وابسته به اعمال اختیاری خود آنهاست (ر.ک: مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۱۰، ص ۱۴۵). هر اقدام آگاهانه بشر برای تحقق هدفی در آینده به انجام می‌رسد و تمامی انسان‌ها برای مشاهده نتایج کارهای خود، چشم به آینده دارند. انسان پیش از اقدام، باید تصمیم بگیرد که چه کاری را انجام بدهد و از میان اقدام‌های محتمل بدیل، یکی را برمی‌گزیند. به این ترتیب، تصمیم‌گیری و اختیار، به‌عنوان بخشی از فرایند آینده‌پژوهی است.

انسان با اراده و اختیار و شناخت، سرنوشت خود را انتخاب می‌کند و خداوند موجودی را آفریده است که قدرت تصمیم‌گیری دارد و او با اراده و اختیار خود، آینده خویش را رقم می‌زند و آن را می‌سازد و تلفیق اندیشه و اراده، عامل آینده‌ساز برای انسان است. اراده انسان در ساخت آینده، در طول اراده الهی است و به عوامل دیگری مانند اعمال خود او وابستگی مستقیم دارد.

یکی از معارف مهم اسلام، بحث قضا و قدر است و نیز اینکه موضوع امکان تغییر قسمتی از تقدیر و سرنوشت انسان به‌دست خودش به وسیله رفتار و اعمال اختیاری مورد اهمیت اندیشمندان قرار گرفته است (ر.ک: سبحانی، ۱۳۸۵، ص ۱۶۷). به اعتقاد وندل بل، آینده‌پژوهان می‌خواهند به دانش و ارزش‌ها جامعه عمل بیوشانند و از این راه در بهبود وضعیت بشر مؤثر باشند. به همین دلیل، پیشنهاد اقدام‌های عملی، بخشی از کار آینده‌پژوهان در مقام یک آینده‌پژوه است. هر اقدامی می‌تواند پیامدهایی را در زندگی مردم داشته باشد. به دیگر سخن، می‌تواند شرایط زندگی آنها را به وضعیتی بهتر یا بدتر، تغییر دهد. بنابراین بررسی اهداف و ارزش‌ها، از ضرورت‌های آینده‌پژوهی است (بل، ۱۳۹۲، ص ۱۹۸). اعمال و افعال اختیاری انسان، آینده فرد و جامعه را تحت تأثیر آثار خود قرار می‌دهد و بر

هدفی که برای آن خلق شده، برسد و علاوه بر نشان دادن راه درست، نیروهای مختلفی را در اختیار او قرار داده تا بتواند خود را سریع‌تر به هدفش برساند و برای مقابله انسان با موانع احتمالی، در این راه پیامبران را فرستاده است تا او را در این مسیر کمک و هدایت کنند و از مسیرهای انحرافی بازدارند (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۱۱، ص ۱۶۷). از نظر اسلام انسان موجودی با عظمت است و خداوند او را بر تمام مخلوقات برتری داده و می‌فرماید: «أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ» (لقمان: ۲۰)؛ آیا ندیدید خداوند آنچه را در آسمان‌ها و زمین است مسخر شما کرده است؟ انسان موجودی هدفدار است و هماهنگ با کل عالم به سمت کمال و قرب الی الله حرکت می‌کند.

انسان در نگاه اسلام اشرف مخلوقات و خلیفه الهی است که در روی زمین و در حیات دنیوی خویش وارث همه میراث‌های الهی است و ارزش و قیمت او اعلی درجه بهشت است که نباید به کمتر از آن خود را بفروشد. هر قدر آرمان و آرزوهایش متعالی‌تر باشد، هدف نیکوتر و بادوام‌تر خواهد بود و هر قدر آرمان‌هایش پست و محدود باشد، غایت نیز خرد و ناچیزتر خواهد بود. تصمیم‌گیری آگاهانه و هدفمند، به دانش درباره آینده بستگی دارد و هرچه درباره رویدادهای ممکن و محتمل پیش‌رو، بیشتر بدانیم، بهتر می‌توانیم برای اقدام‌های سازنده زندگی، برنامه‌ریزی کنیم. قرآن بارها به انسان یادآوری می‌کند که برای مقاصد و اهداف دنیوی آفریده نشده و دنیا مقصد و محل اقامت او نیست؛ چراکه: «كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ» (الرحمن: ۲۶)؛ هر جنبنده دارای شعوری که بر روی زمین است به زودی فانی خواهد شد. هدف انسان در این دنیا ماندن نیست. همین تفکر به او انگیزه فکر در مورد آینده‌ای که از جنس ماده نیست را می‌دهد. آینده‌پژوهی با این نگرش، نسبت به کسی که مادی فکر می‌کند، متفاوت خواهد بود. انسان اگر با هدف مشخص و نقشه راه برای رسیدن به آینده مطلوب حرکت کند، بهتر و دقیق‌تر و زودتر به آن می‌رسد؛ تا کسی می‌خواهد برود تا شاید به هدف بلندتری دست پیدا کند و نمی‌تواند به‌جایی برسد.

ه. اراده و اختیار انسان

نیروی عقل و اراده انسان یکی از جهاتی است که به انسان از دیگر موجودات برتری داده است. انسان به‌واسطه عقل و اراده است که

در نظام جهان بینی الهی، انسان موجود الهی، خلیفه‌الله، دارای سرشت نیک، صاحب اختیار و دارای استعدادهای بالقوه فراوان و هدف متعالی است. انسان در هر دو بعد جسمانی و روحانی تغییرپذیر و در حال رشد است و از طرفی میل به حرکت به سمت کمال بی‌نهایت و سعادت دارد و می‌خواهد با شناخت آینده، کمالات بیشتری را برای خود مهیا کند؛ و همچنین انسان تنها موجودی است که سرنوشتش به دست خودش رقم می‌خورد و آینده خودش را می‌سازد و تغییر در سرنوشت، وابسته به تغییر اراده‌هاست و براساس جهان بینی الهی، عوامل مؤثر دیگری در آینده هر فرد و جامعه بستگی دارد. انسان مختار است و با اعمال اختیاری خود، آینده خودش را انتخاب می‌کند و همچنین افعال قلبی نیز در تکامل و انتخاب آینده مطلوب و یا شقاوت انسان مؤثر است. آینده‌پژوهی مبتنی بر مبانی انسان‌شناختی دینی، با آینده‌پژوهی علمی و عرفی متفاوت است؛ چون نگاه آن دو به انسان، که موضوع آینده‌پژوهی است، متفاوت و برگرفته از جهان بینی آنهاست. مهم‌ترین تفاوت این دو نگاه این است که آینده انسان با مرگ تمام نمی‌شود؛ بلکه مرگ برای او تولدی دیگر و شروع آینده ابدی خواهد بود. سزاوار است که اندیشمندان مادی‌گرا، نگاه صحیح و واقعی به انسان و ویژگی‌های او داشته باشند و آینده‌پژوهان دینی، در برنامه‌ریزی‌ها و روش‌هایی که براساس نگاه حداقلی به انسان، برای آینده انسان نگاشته شده است، تجدیدنظر کنند.

جهت تحقیقات محققان و علاقمندان این رشته، به‌عنوان پیشنهاد، چند مسئله در راستای پژوهش‌ها و مطالعات خود در این موضوع، براساس یافته‌های تحقیق مطرح می‌شود که می‌تواند فتح بای برای دانش‌پژوهان این رشته علمی باشد:

۱. تأثیر سنت‌های الهی حاکم بر عالم در آینده؛ ۲. اعتقاد به قضا و قدر و نقش آن در آینده‌پژوهی؛ ۳. بررسی نقش معادباوری در آینده‌پژوهی.

سرنوشت انسان اثر می‌گذارد. آینده‌پژوهی دینی براساس آموزه‌های متقن و دقیق دینی، انسان‌ها را به آینده توجه می‌دهد و مسیر حرکت به سمت آینده مطلوب را روشن و مشخص می‌کند. همچنین اصول و روش‌های آن را نیز براساس مبنای و جهان بینی دینی قرار می‌دهد؛ اینکه انسان براساس اعمال اختیاری خود، سرنوشت خودش را به بهترین وجه بسازد. انسان‌ها برای رسیدن به سعادت ابدی، باید مراحل گوناگونی را یکی پس از دیگری، پشت سر بگذرانند: «لَتَرْكِبُنَّ طَبَقًا عَنْ طَبَقٍ» (انشقاق: ۱۹). اعمال انسان بر همه شئون آنان مؤثر است و لازم است که انسان از دوراندیشی برخوردار باشد و عملی مناسب برای ساختن آینده خود اتخاذ کند. مراحل آینده انسان، مراحل سرنوشت‌ساز بوده و هر یک برتر و مهم‌تر از مرحله قبل و سزاوار آمادگی بیشتر است. عمل امروز ما، زیربنا و مقدمه به وجود آمدن آینده است؛ همان‌طور که عمل گذشتگان درس عبرتی و نقشه راهی برای امروز ما می‌تواند باشد. چون ما با اعمال خود، آینده را رقم می‌زنیم و آن را می‌سازیم. هر کس عمل بهتری داشته باشد، آینده بهتری خواهد داشت. این دنیا مانند میدان مسابقه است که همه باید تلاش کنند تا پیروز این میدان باشند؛ همچنان که خداوند می‌فرماید: «الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا» (ملک: ۲)؛ کسی که موت و حیات را آفریده تا شما را آزمایش کند؛ که کدامتان خوش‌رفتارترید. هر انسان عاقلی آینده خوب و روشن را می‌خواهد؛ و طبق آموزه‌های دینی، آینده روشن هم فقط در سایه عبودیت و بندگی و التزام به دین و آموزه‌های آن محقق می‌شود.

نتیجه‌گیری

انسان تغییرات در پیش‌رو را نمی‌تواند مهار کند؛ اما می‌تواند به استقبال آنها برود و حتی از آنها جلوتر بیفتد و حوادث آینده را طبق میل و خواسته خود بسازد. اطلاعات، معلومات ما نسبت به گذشته است؛ اما تصمیم‌های ما برای آینده و آماده شدن برای روبه‌رو شدن با آن است؛ هر چند ناگوار باشد. بدون شناخت مبانی انسان‌شناختی آینده‌پژوهی، توفیق زیادی در شناخت این علم و فن را نخواهیم داشت. ارزش‌های حاکم بر آینده‌پژوهی در هر جامعه‌ای، تابع مبانی فکری و اعتقادی آن جامعه است؛ لذا آینده‌پژوهی زاینده عصر مدرن در غرب است و به شدت تحت تأثیر تفکر غرب و جهان بینی مادی و الحادی قرار دارد و اصول و اهداف و برنامه‌ها و روش‌ها، مبتنی بر آن جهان بینی است.

صفایی حائری، علی، ۱۳۸۶، حرکت، چ دوم، قم، لیلۃ القدر.

_____، ۱۳۹۱، *تطهیر یا جاری قرآن*، قم، لیلۃ القدر.

طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۳۷۴، *تفسیر المیزان*، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، چ پنجم، قم، جامعه مدرسین.

عنایت‌الله، سهیل، ۱۳۸۸، *پرسش از آینده*، تهران، مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.

عیوضی، محمدرحیم، ۱۳۸۸، «آینده‌پژوهشی و مطالعات دینی»، *کتاب ماه دین*، ش ۱۴۴، ص ۷-۳.

فیومی، احمدبن محمد، ۱۴۱۴ق، *المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر*، چ دوم، قم، هجرت.

کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۴۲۹ق، *الکافی*، قم، دارالتحذیث.

گروهی از نویسندگان، ۱۳۹۱، *فلسفه تعلیم و تربیت*، زیر نظر محمدتقی مصباح یزدی، تهران، مدرسه.

لطیفی، علی، ۱۳۹۶، *مبانی فلسفی علم تعلیم و تربیت*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

مسلمی‌زاده، طاهره، ۱۳۸۴، *پایگاه دانش آیات و روایات آینده‌اندیشی*، تهران، مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.

مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۸۴، *به سوی خودسازی*، چ چهارم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

_____، ۱۳۸۸، *انسان‌سازی در قرآن*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

_____، ۱۳۸۹، *درباره پژوهش*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

_____، ۱۳۹۶، *خودشناسی برای خودسازی*، چ بیستم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

مطهری، مرتضی، ۱۳۷۲، *مجموعه آثار*، چ هشتم، تهران، صدرا.

مغنیه، محمدجواد، ۱۴۲۴ق، *التفسیر الکاشف*، قم، دارالکتاب الاسلامی.

مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، ۱۳۷۴، *تفسیر نمونه*، قم، دارالکتب الاسلامیه.

ملکی‌فر، عقیل و همکاران، ۱۳۸۶، *الفیای آینده‌پژوهی*، چ سوم، تهران، کرانه علم.

منطقی، محسن، ۱۳۹۱، «درآمدی بر اسلام و آینده‌پژوهی»، *اسلام و پژوهش‌های مدیریتی*، ش ۴، ص ۱۹-۳۳.

میرباقری، سیدمحمد مهدی، ۱۳۹۳، *بینش تمدنی*، قم، کتاب فردا.

نسفی، عزیزالدین، ۱۳۷۹، *بیان التنزیل*، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

منابع

نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، تصحیح صبحی صالح، قم، هجرت.

ابن‌اثیر جزری، مبارک‌بن محمد، ۱۳۶۷، *النهاية فی غریب الحدیث و الأثر*، چ چهارم، قم، اسماعیلیان.

ابن‌فارس، احمدبن، ۱۴۰۴ق، *معجم مقاییس اللغة*، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.

بستانی، فؤاد افرازم، ۱۳۷۵، *فرهنگ ابجدی*، چ دوم، تهران، اسلامی.

بل، وندل، ۱۳۹۲، *مبانی آینده‌پژوهی*، ترجمه مصطفی تقوی و محسن محقق، تهران، مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.

بهریزی‌لک، غلامرضا، ۱۳۹۲، «مهدویت‌پژوهی و آینده‌پژوهی: تشابهات و تمایزات»، *مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی*، ش ۵۴، ص ۱۰۳-۱۳۲.

پدرام، عبدالرحیم و محمدرحیم عیوضی، ۱۳۹۵، *درآمدی بر آینده‌پژوهی اسلامی*، چ دوم، تهران، مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.

تقوی‌نسب، سیدمحمد و عبدالمجید کرامت‌زاده، ۱۳۹۸، *مبانی آینده‌پژوهی از دیدگاه فلاسفه اسلامی*، تهران، دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی.

تیشه یار، ماندانا، ۱۳۹۶، *آینده‌پژوهی در مطالعات استراتژیک*، چ سوم، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.

جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۸، *آینده‌پژوهی: مفاهیم، روش‌ها*، تهران، مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی.

جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۴، *فطرت در قرآن*، چ سوم، قم، اسراء.

_____، ۱۳۸۵، *هدایت در قرآن*، چ دوم، قم، اسراء.

_____، ۱۳۸۷، *مبانی اخلاق در قرآن*، چ ششم، قم، اسراء.

_____، ۱۳۸۹، *جامعه در قرآن*، چ سوم، قم، اسراء.

حافظ برسی، رجب‌بن محمد، ۱۴۲۲ق، *مشارق أنوار الیقین فی اسرار امیرالمؤمنین*، بیروت، أعلمی.

حراغلی، محمدبن حسن، ۱۳۸۰، *الجواهر السنیه فی الأحادیث القدسیه*، چ سوم، تهران، دهقان.

حسن‌زاده آملی، حسن، ۱۳۸۰، *عیون مسائل نفس و شرح آن*، ترجمه ابراهیم احمدیان و سیدمصطفی بابایی، قم، قیام.

حسینی زبیدی، محمدمرتضی، ۱۴۱۴ق، *تاج العروس من جواهر القاموس*، بیروت، دارالفکر.

راغب اصفهانی، حسین‌بن محمد، ۱۴۱۲ق، *مفردات ألفاظ القرآن*، بیروت، دار القلم.

رجبی، محمود، ۱۳۹۰، *انسان‌شناسی*، چ پانزدهم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

رستمی، محسن و رضا عیسی کشاورز، ۱۳۹۷، *مبانی آینده‌پژوهی*، تهران، پشتیبان.

سبحانی، جعفر، ۱۳۸۵، *سرنوشت از دیدگاه علم و فلسفه*، چ دوم، قم، مؤسسه امام صادق.

صادقی، عبدالرحیم، ۱۳۹۶، *آینده‌پژوهی با رویکرد دینی*، چ دوم، تهران، جامعه المصطفی العالمیه.